

**جلال چراغی\***: طی روزهای گذشته تحولاتی در گستره منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) رخ داد که همگی نشان از وجود توطئه‌ها و تئانی‌هایی شوم علیه فلسطین و محور مقاومت است. به نظر می‌رسد فاز اجرای مرحله دوم این عملیات در قالب طرح موسوم به «معامله قرن» در واقع از دوم اکتبر که جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد عربستان سعودی، وارد کنسولگری عربستان سعودی در شهر استانبول ترکیه شد و دیگر از آن خارج نشد، کلید خورده باشد. خاشقجی از آمریکا به لندن رفت و سپس از آنجا راهی استانبول شد تا با گر رفتن سندی از کنسولگری کشورش بتواند با زنی ترکیه‌ای ازدواج کند. در این‌باره برخی منابع خبری از روزهای نخست ناپدید شدن خاشقجی این گمانه‌زنی را مطرح کردند که سازمان‌های جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی از سفر خاشقجی و توطئه طراحی شده علیه او مطلع بوده‌اند و حتی رسانه‌های آمریکایی فاش کردند که سازمان سیا فایل‌های صوتی را در اختیار دارد که در آن مقام‌های ارشد عربستان سعودی به نیروهای خود دستور داده‌اند خاشقجی را به قتل برسانند.

بنابراین با توجه به داده‌های موجود، احتمال بی‌اطلاعی سازمان‌های امنیتی آمریکایی و صهیونیستی از کلیت این ماجرا بعید به نظر می‌رسد. پس از رسانه‌ای شدن قتل خاشقجی به دست ۱۵ نیروی اطلاعاتی و امنیتی عربستان در کنسولگری این کشور در استانبول، موجی شدید از حملات رسانه‌ای علیه عربستان سعودی و خاصه محمد بن‌سلمان، ولیعهد این کشور آغاز شد. به گونه‌ای که وی برای رهایی از این تنگنای بی‌سابقه، به تلویح و به تصریح، از مقامات کشورهای دیگر از جمله مقام‌های ترکیه خواست این موضوع را به نحوی فیصله دهند، به‌طوری که حتی بن‌سلمان در کنفرانس سرمایه‌گذاری موسوم به «اواوس صحرا» در ریاض زبان به ستایش از قطر گشود، کشوری که از سال ۲۰۱۷ آن را دشمن خود قلمداد کرده و با تشکیل ائتلافی از کشورهای عربی آن را به اتهام حمایت از تروریسم تحت محاصره شدید قرار داده است.

تا جایی که برخی رسانه‌های عربی از ناخرسندی «محمد بن‌زاید» ولیعهد امارات متحده عربی که الگوی بن‌سلمان در طرح‌های سیاسی و اقتصادی به‌شمار می‌رود، از این اظهارات بن‌سلمان درباره قطر خبر دادند. در این راستا، روز سه‌شنبه افشاگر اخبار پشت پرده دربار پادشاهی عربستان سعودی که در شبکه اجتماعی توئیتر با نام مستعار «چنجه» به افشاجری می‌پردازد، فاش کرد بن‌سلمان، عادل الجبیر (وزیر امور خارجه) را به قطر فرستاده تا نامیم بن حمد آل ثانی (امیر قطر) دیدار و از او بخواهد برای فیصله دادن به پرونده خاشقجی نرد تکیه کند

میانجیگری کند اما قطری‌ها الجبیر را به صورت توهین آمیز از فرودگاه بازگردانده و پس از آن نیز بن‌سلمان، خالد بن فیصل (امیر مکه) را راهی دوحه کرد که قطری‌ها به وی نیز جواب منفی دادند. بنابراین از یک سو رجب طیب اردوغان با به کارگیری کارآمد رسانه‌های ترکیه و با همگامی شبکه تلویزیونی الجزیره قطر و با ارائه اطلاعات «قطر چکانی» درباره قتل خاشقجی، بن‌سلمان را بشدت تحت فشار فراینده قرار داده است و رژیم صهیونیستی نیز البته، این فشارها را مصداقه به مطلوب می‌کند و از سوی دیگر بن‌سلمان تحت فشار رسانه‌های جهانی قرار دارد و اهداف و آمال خود را برای تکیه زدن بر تخت پادشاهی بر باد رفته می‌داند.

در این باره کنشگری‌های سیاسی اخیر مقامات رژیم صهیونیستی در منطقه نیز در پیوند با این موضوع شایان ارزیابی و توجه است. تل‌آویو این روزها از فضای موجود در سایه قتل خاشقجی و تحت فشار قرار گرفتن عربستان سعودی، بخوبی بهره‌برداری می‌کند و حتی این گمانه‌زنی قوت می‌گیرد که رژیم صهیونیستی در قتل خاشقجی دست نداشته باشد، دست‌کم از این طرح بی‌اطلاع نبوده است. به هر حال، اکنون

اجرای فاز دوم «معامله قرن» با بهره‌برداری اسرائیل از پرونده خاشقجی

# توافق پنهان



دربار عربستان بشدت تحت فشار قرار دارد و به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی به همراه آمریکا و قدرت‌های غربی چون انگلیس بر شدت این فشارها علیه عربستان سعودی افزوده‌اند تا در جهت بستن پرونده فلسطین و فیصله دادن به موضوع تشکیل کشور فلسطین در چارچوب مرزهای سال ۱۹۶۷ یا طرح معامله قرن بیشترین همکاری را با صهیونیست‌ها داشته باشد. بازگشت احمد بن‌عبدالعزیز، برادر پادشاه عربستان که برای رسیدن به سمت پادشاهی دارای اولویت است، از لندن به ریاض نیز در این بستر قابل ارزیابی است، زیرا این گمانه‌زنی

قوت می‌گیرد که محور ترامپ، کوشنر و نتانیاهو با همراهی لابی صهیونیست در غرب، برادر سلمان بن‌عبدالعزیز را از لندن به ریاض فرستاده‌اند تا بن‌سلمان و دربار را تحت بیشترین فشار ممکن در جهت دادن دادن امتیازهای بیشتر مالی و همراهی برای اجرایی کردن طرح معامله قرن قرار دهند تا به این ترتیب رژیم صهیونیستی با استفاده از فضای موجود علیه عربستان، موضوع

فلسطین را به‌طور کلی و بدون تشکیل کشور مستقل فلسطین

فیصله دهد و سفر پیاپی مقام‌های این رژیم به کشورهای عربی نیز در این چارچوب قابل ارزیابی و تحلیل است.

■ **اهداف پیدنا و پنهان سفر مقامات صهیونیست به کشورهای عربی**

هدف اصلی سفر چندروز اخیر مقامات رژیم صهیونیستی به کشورهای عربی چون عمان، قطر، امارات و بحرین را می‌توان در این چارچوب ارزیابی کرد که این رژیم برای دور زدن ملاحظات کشورهای عربی درباره تشکیل کشور مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شرقی یا به پایتختی روستای ابودیس تلاش می‌کند. به این معنا که بر اساس طرح صلح عربی، کشورهای عربی زمانی اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت و روابط

دیپلماتیک با آن برقرار خواهند کرد که تل‌آویو با تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شرقی موافقت کند بر اساس طرح معامله قرن رژیم صهیونیستی با همکاری جرد کوشنر (مشاور ارشد و داماد دونالد ترامپ) و محمد بن‌سلمان (ولیعهد عربستان‌سعودی) قرار است کشور فلسطین به پایتختی روستای ابودیس در اطراف قدس تشکیل شود اما به نظر می‌رسد برخی کشورهای عربی راضی به همراهی با تل‌آویو در این‌باره نیستند یا دست‌کم ملاحظات و خواسته‌هایی در این خصوص دارند. از این رو، رژیم صهیونیستی درصد است بدون اعطای کوچک‌ترین امتیاز به فلسطینی‌ها، کشورهای عربی و حتی بن‌سلمان را وادار به همکاری کند. به نظر می‌رسد اسرائیل در این باره با اتخاذ سیاست موسوم به «تحمیل امر واقع» (در برابر عمل انجام شده قرار دادن دیگران) خواسته است پیش‌شرط کشورهای عربی را برای همراهی با آن، تهی از مفهوم کند و تأکید و تعمد مقامات رژیم صهیونیستی بر علنی کردن سرفه‌ای خود به چند کشور عربی نیز در این بستر قابلیت ارزیابی دارد.

نتانیاهو تلاش می‌کند بدون عمل به خواسته کشورهای عربی، با سفر خود و اعضای کابینش‌اش به این کشورها آنها را در برابر عمل انجام شده قرار دهد و بدین معنا، بدون اعطای امتیاز به آنها، روابط دیپلماتیک با این کشورها برقرار کند. از این رو است که گمانه‌زنی می‌شود مقامات رژیم صهیونیستی طی روزهای آینده به کشورهای دیگر عضو شورای همکاری خلیج‌فارس چون قطر نیز سفر کنند تا به نوعی سیاست «تحمیل امر واقع» را که سیاست موفق در زمینه شهرک‌سازی و مصدازه زمین‌های فلسطینی‌ها بوده است، در قبال کشورهای عربی منطقه نیز به کار گیرند و به اهداف خود برسند.

هدف اسرائیل این است تا کشورهای عربی را در برابر عمل انجام‌شده قرار دهد و آنها‌نیز به‌طور رسمی اسرائیل را به رسمیت بشناسند. در این‌باره «بدی کوهین» خبرنگار اسرائیلی که با

موساد همکاری دارد در صفحه توئیتر خود با انتشار ویدئویی از سفر شیمون پرز در سال ۱۹۹۶ به دوحه، از قطری‌ها خواسته است از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به گرمی استقبال کنند، همان‌گونه که پیش از این از شیمون پرز، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل استقبال کردند. در این چارچوب بود که یوسف بن علوی (وزیر خارجه عمان) در کنفرانس امنیتی منامه گفت: «شاید زمان آن فرا رسیده است که با اسرائیل (همچون دیگر کشورها) رفتار شود. اسرائیل یک کشور حاضر در منطقه است و همگی ما این را درک می‌کنیم». پیش

از این نیز روزنامه‌ییدیوت آحرانوت نوشته بود که بحرین در حال انجام گفت‌وگوهایی با اسرائیل با هدف اعلام برقراری روابط علنی بین ۲ طرف و فراهم کردن مقدمه سفر بنیامین نتانیاهو به منامه است. همچنین در این باره مقامات آمریکا برای کمک به نتانیاهو تحرکاتی را آغاز کرده‌اند. پیش از این منابع صهیونیستی گزارش دادند که قرار است این هفته «جی‌سی‌ون گرینبلات» نماینده آمریکا در

امور صلح خاورمیانه، عازم تل‌آویو شود. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، هدف از این سفر گفت‌وگو درباره مسائل مربوط به معامله قرن اعلام شده است. افزون بر این، هم‌زمان با سفر بنیامین نتانیاهو به عمان، جان بولتون (مشاور امنیت ملی ترامپ) به آذربایجان سفر و با مقامات این کشور گفت‌وگو کرد. این گمانه‌زنی مطرح است که وی با مقام‌های آذربایجان درباره ایران و فلسطین گفت‌وگو کرده باشد، بنابراین نکات و اهداف مربوط به تحرک مقامات آمریکایی و صهیونیستی در منطقه را می‌توان اینگونه خلاصه کرد:

نخست، اسرائیل با اتخاذ سیاست «تحمیل امر واقع» (در عمل انجام شده قرار دادن دیگران) از موضوع تشکیل

کشور فلسطین عبور کرده و بدون عمل کردن به پیش‌شرط کشورهای عربی برای برقراری رابطه دیپلماتیک و با استفاده از شرایط کنونی برخی کشورها همچون عربستان در حال برقراری روابط دیپلماتیک با آنهاست، زیرا عمان یکی از ۶ عضو شورای همکاری خلیج فارس است که سال‌هاست به‌عنوان یک کشور میانجی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی عمل کرده و سفر نتانیاهو به مسقط در حالی است که اسرائیل و عمان با یکدیگر روابط دیپلماتیک ندارند و عمان اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد

دوم، تل‌آویو درصدد ارسال پیام به ریاض و تحت فشار قرار دادن عربستان سعودی و به‌طور مشخص محمد بن‌سلمان است. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند با بهره‌برداری از شرایط موجود برآمده از قتل خاشقجی، ریاض را تحت فشارهای بیشتری قرار دهد تا از ملاحظات احتمالی خود درباره تشکیل کشور فلسطین به پایتختی قدس شرقی یا حتی روستای ابودیس چشم‌پوشی کند و برای خروج از تنگنای فشارها با تل‌آویو همکاری کند. به نظر می‌رسد ترامپ و جرد کوشنر در این طرح به یاری نتانیاهو شتافته‌اند، زیرا بازگشت احمد بن‌عبدالعزیز (برادر سلمان پادشاه عربستان) از لندن به ریاض – که برای پادشاهی در اولویت قرار دارد– با تضمین‌های آمریکا و انگلیس به معنای اعمال فشار بر محمد بن‌سلمان قلمداد می‌شود.

سوم، نتانیاهو با سفر به عمان در واقع به نوعی این پیام را مخابره کرد که گذشته از کشورهایی چون امارات، بحرین، قطر، عربستان، مصر و اردن حتی عمان به عنوان کشوری بی‌طرف و معتدل از عادی‌سازی روابط با تل‌آویو استقبال می‌کند و اسرائیل در واقع روند علنی کردن عادی‌سازی روابط دیپلماتیک را با همه کشورهای عربی آغاز کرده است.

چهارمین نکته درباره سفر مقام‌های رژیم صهیونیستی به کشورهای عربی منطقه این است که این سفرها با هدف فراهم کردن بستر برگزاری اجلاس ژانویه آینده در واشنگتن با حضور ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، مصر و اردن انجام شد. احتمال می‌رود رژیم صهیونیستی به عنوان دهمین شرکت‌کننده در کنار آمریکا در این نشست حاضر شود تا درباره جزئیات طرح معامله قرن و تشکیل ائتلافی مشابه «اتوی عربی» توافق کنند.

پنجمین نکته این است که نتانیاهو با سفر به عمان پیامی را به جمهوری اسلامی ایران و چه‌بسا سوریه ارسال کرده باشد، زیرا عمان برای هر دو طرف (اسرائیل و ایران) به عنوان یک میانجی صادق و قابل اعتماد شناخته می‌شود، بنابراین احتمال دارد نتانیاهو در آستانه اعمال دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران با مقام‌های عمان گفت‌وگو کرده باشد و پیامی را نیز به ایران داده باشد.

ششمین نکته می‌تواند مرتبط با دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران باشد، با این درون‌مایه که نتانیاهو از عمان خواسته است در جهت همراهی تحریم‌ها علیه ایران اقدام کند و روابط تجاری خود با جمهوری اسلامی ایران را قطع کند.

نکته دیگر درباره سفر مقام‌های رژیم صهیونیستی به کشورهای دیگر این است که برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از این‌ خواهد بود که این سفرها برای نجات محمد بن‌سلمان از تنگنای کنونی به علت قتل خاشقجی انجام می‌شود. به این معنا که صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند افکار و اذهان عمومی و رسانه‌ها را از موضوع خاشقجی به موضوع‌های دیگر جنجالی منحرف کنند که این گمانه‌زنی با توجه به فرصت‌طلب بودن صهیونیست‌ها بعید به نظر می‌رسد؛ آنچه از صهیونیست‌ها معروف است، این است که از تنگناها و مشکلات دیگر کشورها برای رسیدن به اهداف نامشروع خود استفاده می‌کنند

■ **تحلیلگر مسائل سیاسی و رسانه**



جامعه و افکار عمومی است، ایمن‌تر عمل کرده و تأثیرپذیری از این رسانه‌ها را به حداقل برسانند. مهم‌ترین فاکتورهای سواد رسانه‌ای را که مخاطب باید به آن توجه کند، می‌توان در چند بند خلاصه کرد. شاخص‌هایی که هر کدام به تنهایی می‌تواند همچون پادزهری در قبال ویروس مهندسی افکار عمومی عمل کرده و تون هدایت را از دشمن بگیرد.

الف- یک پیام رسانه از کجا و چه منبعی ارسال می‌شود؟
ب- رسانه‌ای که اقدام به انتشار یک پیام می‌کند از کجا و چگونه تأمین مالی می‌شود؟
ج- برخورد یک رسانه با یک خبر صرفاً خبری است یا سلسله‌وار به یک موضوع می‌پردازد؟

د- چرا یک رسانه با حجم عظیم هزینه‌های مالی زمان زیادی را به یک موضوع اختصاص می‌دهد؟
اینها مواردی است که تفکر و تحقیق در هر کدام از آنها می‌تواند مخاطب را به سرمنشأ تغذیه یک رسانه رسانده و در نهایت می‌تواند ماهیت اغلب اخبار منتشر شده از سوی رسانه‌های ضد انقلاب را افشا کند. اگر نگاهی کوتاه به اقدامات و عملیات روانی دشمن در این بستر داشته باشیم به روشنی می‌توان به چگونگی سواستفاده دشمن از این نقاط علیه مردم و کشور ایران پی برد.

■ **اسرائیل با اتخاذ سیاست موسوم به «تحمیل امر واقع» (در برابر عمل انجام شده قرار دادن دیگران) خواسته است پیش‌شرط کشورهای عربی را برای همراهی با آن، تهی از مفهوم کند و تأکید و تعمد مقام‌های رژیم صهیونیستی بر علنی کردن سفرهای خود به چند کشور عربی نیز در این بستر قابلیت ارزیابی دارد**